

بررسی حدود اعمال اصل صلاحیت جهانی در نظام حقوقی ایران

سینارستمی *

چکیده

با ظهور جرایم فراملی، ضرورت بازنگری در مبانی صلاحیت سرزمینی و شخصی شکل گرفت و به دنبال آن صلاحیت جهانی به عنوان مبنای قانونی رسیدگی به جرایم بین‌المللی وارد حقوق داخلی دولت‌ها شد. مطابق با این اصل، دولت‌ها حق تعقیب مرتکبان جرایمی که نقض‌کننده قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی هستند را بدون توجه به مکان ارتکاب جرم و یا تابعیت مرتکب آن بر عهده می‌گیرند. معاهدات بین‌المللی مختلف و نیز عرف بین‌المللی برخی از جرایم را مشمول اصل صلاحیت جهانی دانسته‌اند.

بسیاری از کشورها نیز در قوانین اساسی و یا عادی خود به پیش‌بینی این اصل پرداخته و منشأ اعتبار آن را کنوانسیون‌های بین‌المللی با شرط عضویت یا بدون شرط عضویت، عرف بین‌المللی، قوانین داخلی و یا ترکیبی از این موارد دانسته‌اند. در نظام حقوقی ایران ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با افزودن عبارت مقررات بین‌المللی به عهدنامه و قوانین خاص، برخلاف ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ این ابهام را به وجود آورده است که قانونگذار علاوه بر عهدنامه و قوانین خاص آیا عرف بین‌المللی را نیز به عنوان یکی از منابع قابل استناد برای قضات محاکم کیفری ایران در پرتو اعمال اصل صلاحیت جهانی قرار داده است؟ در این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای موجود، به این نتیجه رسیده می‌شود که با توجه به بررسی عرف بین‌المللی و نیز مبانی نظام حقوقی ایران، امکان استناد به عرف بین‌المللی در پرتو اعمال صلاحیت جهانی وجود ندارد.

واژگان کلیدی:

صلاحیت جهانی، عرف بین‌المللی، کنوانسیون بین‌المللی، جرایم بین‌المللی.



مقدمه

برخی از انسانها یا گروه های انسانی با اقداماتی همچون قتل، به بردگی گرفتن، شکنجه، راهزنی و به طور کلی نقض قواعد حقوق بشردوستانه بین المللی مرتکب جنایات فجیعی می شوند که از منظر حقوق بین المللی تحت عناوینی همچون جرایم علیه بشریت، نسل کشی و جرایم جنگی شناخته می شوند. این جرایم و جنایات از خصوصیات و ویژگی هایی همچون فرامکانی بودن برخوردار هستند که از حیث قلمرو قواعد مکانی و بررسی صلاحیت های قضایی ممکن است در قلمرو هیچکدام از اصول صلاحیت کیفری یعنی، اصل صلاحیت سرزمینی، اصل صلاحیت واقعی و اصل صلاحیت شخصی فعال و منفعل قرار نگیرند.

بر همین اساس ارتکاب این گونه از جرایم که وجدان بشریت را جریحه دار می نمایند کشورها را بر آن داشته است تا اگر مرتکبان آنها را در قلمرو تحت صلاحیت خود یافتند، تحت تعقیب قرار داده و محاکمه نمایند. این امر موجب پیدایش اصل صلاحیت جهانی گردید که در نظام حقوقی ایران نیز پذیرفته و مفاد آن در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی گنجانده شده است. بر اساس این ماده قضات محاکم ایرانی از میان منابع حقوق بین المللی که عرف بین المللی، معاهدات و اسناد بین المللی و اصول کلی حقوقی هستند، تنها می توانند به قوانین خاص، مقررات و عهود بین المللی که اصل صلاحیت جهانی را پذیرفته اند استناد نموده و به تعقیب و محاکمه متهمان به ارتکاب جرایم و جنایات بین المللی بپردازند.

از سوی دیگر در هر جامعه انسانی روابط اجتماعی بر اساس قواعد و مقررات حقوقی انتظام می یابد که در قالب های مختلفی پدیدار می شوند. شناخت قواعد و مقررات حقوقی و به تبع آن حل موضوعات حاصل شده از روابط پیچیده اجتماعی و نیز افعال انسان ها نیازمند مراجعه به منابعی است که حکم قضایای حقوقی را مشخص می نماید. بر همین اساس جهت نیل به این اهداف و نیز تعیین تکلیف احکام موضوعات مختلف بایستی به منابع حقوقی و بالاخص منابع حقوق کیفری مراجعه و آنها بازشناخت.

بر اساس تقسیم بندی مرسوم حقوقدانان، منابع حقوق به منابع اصلی و منابع فرعی تقسیم می شوند. منابع اصلی منابعی هستند که بایستی احکام قضایا بر اساس آن ها مشخص شده و قضات محاکم بایستی به آنها استناد نمایند. در نظام حقوقی ایران منابع اصلی قانون اساسی به عنوان مهم ترین سند حقوقی کشور و امال قوانین که در سلسله



مراتب قوانین موجود به عنوان هنجار برتر پذیرفته شده است، قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، قوانین مصوب مجلس شورای ملی در صورتی که مغایر با موازین شرعی نباشند و نیز لوایح شورای انقلاب، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، آراء وحدت رویه و در نهایت معاهدات بین‌المللی می‌باشند. در کنار منابع اصلی، منابع فرعی وجود دارند که تنها نقش راهنمای قضات محاکم جهت شناخت موضوعات، تشخیص مصادیق و یا تفسیر مواد قانونی ایفای نقش می‌نمایند. منابعی همچون رویه قضایی، منابع معتبر فقهی و عرف از جمله این منابع هستند. بنابراین در نظام حقوقی ایران، تحت تأثیر فقه و الهام گرفتن از نظام حقوقی رومی- ژرمنی عرف به عنوان منبعی فرعی به کار گرفته می‌شود و از جایگاه چندان مهمی برخوردار نیست.

این جایگاه در خصوص عرف بین‌المللی با توجه به اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی و ماده ۹ قانون مدنی، به مراتب بی‌اهمیت و نامعین‌تر می‌باشد و به طور کلی در نظام حقوقی ایران اشاره‌ای به جایگاه عرف بین‌المللی نشده است. بر همین اساس با عنایت به ماده ۹ قانون مجازات اسلامی حدود و ثغور صلاحیت دادگاه‌های ایران نسبت به جرایم بین‌المللی عرفی و معاهداتی که کشور ایران به آن‌ها نپیوسته است محل ابهام می‌باشد.

با توجه به مطالب فوق سئوالی که در این پژوهش مطرح و به آن پرداخته خواهد شد این می‌باشد که با توجه به جایگاه عرف و معاهدات تصویب نشده در نظام حقوقی ایران آیا امکان اجرای عرف بین‌المللی در راستای اجرای اصل صلاحیت جهانی وجود دارد و قضات دادگاه‌های ایران در پرتو اصل صلاحیت جهانی می‌توانند به عرف بین‌المللی و معاهدات تصویب نشده استناد نمایند؟ جهت پاسخ به این پرسش این پژوهش به دو بخش تقسیم می‌گردد.

در بخش اول به بررسی عرف و کنوانسیون بین‌المللی پرداخته می‌شود و در بخش دوم اصل صلاحیت جهانی، شرایط اعمال و موانع اجرایی آن و در نهایت حدود و ثغور آن در مقررات کیفری ایران مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

۱- عرف بین‌المللی

واکاوی اصل صلاحیت جهانی نیازمند بررسی عرف و کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌باشد زیرا از دیدگاه حقوق بین‌المللی، منشأ صلاحیت جهانی ممکن است معاهده یا عرف بین‌المللی باشد.



۱-۱- تعریف عرف بین المللی

حقوقدانان مختلفی به تعریف عرف پرداخته اند که از میان آنها این تعریف که عرف بین المللی را «تکرار اعمال یا رفتار مشابه توسط تابعان حقوق بین الملل که به تدریج در روابط متقابل آن ها با یکدیگر جنبه الزامی و قدرت حقوقی پیدا کرده است و در نتیجه اعتبار و ارزشی برابر با قاعده حقوقی مدرن دارد» تعریف می نماید جامع ترین و مانع ترین تعریف از عرف بین المللی میتوان به حساب آورد. با وجود این تعریف، اغلب حقوقدانان حقوق بین المللی هنگام بحث در خصوص عرف بین المللی به اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری استناد می کنند در حالی که عرف به عنوان یکی از منابع اصلی حقوق بین المللی از مدتها پیش از تصویب اساسنامه مورد قبول جامعه بین المللی بوده است امری که در خصوص قضیه جرمانگاری دزدی دریایی و صلاحیت رسیدگی به آن توسط اغلب کشورها مشهود است.

با مذاقه در اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، بند ب ماده ۳۸ عرف بین المللی را به منزله رویه عامی میدانند که به عنوان حقوق پذیرفته شده است. این عبارت در پرتو آراء نویسندگان و رویه قضایی بین المللی مبین عناصر تشکیل دهنده عرف است. ۱- عنصر مادی یا رویه ۲- عنصر روانی. بر همین اساس، عناصر متشکله عرف را می توان رویه متحدالشکل و هماهنگ تعداد زیادی از دولت ها و تداوم یا تکرار رویه طی یک مدت زمان قابل توجه (به عنوان عنصر مادی عرف)، و تصور یا باور به الزام آور بودن رویه به موجب حقوق ر و پذیرش عمومی رویه از سوی دولت های دیگر (به عنوان عنصر روانی عرف) دانست.

۱-۲- ویژگی های عرف بین المللی

عرف بین المللی یکی از قدیمی ترین و مهم ترین منابع حقوق بین المللی به شمار می رود. همان طور که گفته شد عرف، رویه عامی است که به عنوان حقوق پذیرفته شده است بر همین اساس از ویژگی هایی برخوردار است که کنوانسیون ها و معاهدات بین المللی دارا نیستند. ویژگی هایی همچون پویایی و تطابق سریع با تحولات روز، قابلیت جایگزینی و تابع خواست و اراده بودن تابعان اصلی روابط بین الملل بدون نیاز به وجود قدرت عالی یا تشریفات خاصی برخوردار می باشد. در حقیقت عرف بین المللی از لحاظ زمانی دارای توفیق و تقدم زمانی و سابق بر شکل گیری معاهدات بین المللی بوده و دارای نقش اصلی و ابتدایی در شکل گیری حقوق بین المللی بوده است. بر اساس این ویژگی، عرف بین المللی مهم ترین قواعد حقوق کیفری را در روابط بین المللی

ایجاد کرده است. همچنین به دلیل فقدان یک مرجع قانونگذاری بین‌المللی، عرف نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری حقوق بین‌المللی ایفا می‌کند. از دیگر ویژگی‌های عرف بین‌المللی می‌توان به عام و فراگیر بودن آن اشاره نمود یعنی بر خلاف معاهدات بین‌المللی، عرف متضمن حقوق و تعهدات برای همه دولتهاست و موردی و خاص نمی‌باشد. بر اساس تمام این ویژگی‌ها است که در صورت عدم امکان اجرای معاهدات، قواعد عرفی به جای معاهدات بین‌المللی اعمال می‌شوند.

اگرچه مهم‌ترین ویژگی عرف امکان انطباق سریع با شرایط زمانی و تغییرات در اوضاع و احوال، پویایی سیستم حقوق بین‌المللی را رقم زده و این سیستم را به خود وابسته نموده است اما در کنار این ویژگی‌ها، نامشخص بودن و دشواری اثبات قواعد عرفی همواره از چالش‌های اساسی نظام حقوق عرفی بوده است. وجود ابهام و نارسایی‌های متعدد در فرآیند شکل‌گیری و شناسایی قواعد مذکور به واسطه فقدان اصول و قواعدی دقیق و منسجم در این رابطه همواره سبب اختلاف میان دولت‌ها تلقی شده است. برای حل این مشکل وجود یک مرجع بی‌طرف لازم بود تا عرف‌های بین‌المللی را مورد شناسایی قرار دهد که در قسمت بعدی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱-۳- دیوان بین‌المللی دادگستری، مرجع شناسایی عرف بین‌المللی

همان‌طور که گفته شد از آنجا که قواعد عرفی نانوشته و نامدون می‌باشند و این امر عموماً اختلافات زیادی را میان دولت‌ها رقم می‌زند، سپردن شناسایی قواعد عرفی به نهادهای بی‌طرف که اعضای آنها را کارشناسان و متخصصان حقوق بین‌المللی تشکیل می‌دهند تنها و بهترین راه حل ممکن برای جلوگیری از تداوم چنین اختلافاتی است.

بر همین اساس در رابطه با مفهوم عرف و تبیین عناصر آن دیوان بین‌المللی دادگستری مفصل‌ترین و مستدل‌ترین عملکرد را ارائه داده است. رویه این مرجع بین‌المللی در قضایای لوتوس (۱۹۲۷)، کانال کورفو (۱۹۴۹)، شیلان (۱۹۵۰)، حق شرط (۱۹۵۱)، پناهندگی (۱۹۵۱)، فلات قاره دریای شمال (۱۹۶۶)، نیکاراگوئه (۱۹۸۶) و سلاح‌های هسته‌ای به خوبی این امر را تصدیق می‌نماید. این صلاحیت را جامعه بین‌المللی به دیوان بین‌المللی دادگستری اعطا نموده است. در حقیقت اقتدار دیوان در شناسایی قواعد عام حقوق بین‌المللی عرفی مبتنی بر اساسنامه آن و به طور



مشخص صدر و ذیل ماده ۳۸ می باشد. به موجب این ماده دیوان بین‌المللی دادگستری مأموریت دارد اختلافاتی که به آنها ارجاع می شود را مطابق با حقوق بین‌المللی حل و فصل نماید و موازین ذیل را اعمال کند.

الف) ... ب) عرف بین‌المللی به منظور ادله رویه عامی که به عنوان حقوق پذیرفته شده است (ج) ... د) با رعایت ماده ۵۹ تصمیمات قضایی و آموزه های برجسته ترین حقوقدانان ملل مختلف به منزله ابزارهای فرعی جهت تعیین قواعد حقوقی ...
بنابراین، مطابق با مطالب فوق رویه قضایی بین‌المللی علاوه بر حل و فصل اختلافات میان دولت ها و سازمان های بین‌المللی بر اساس قواعد عرفی گنجینه ارزشمندی در راه یافتن شرایط شکل گیری و شناسایی این قواعد نیز به حساب می آیند و امروزه هیچ تردیدی در پذیرش این واقعیت که آراء مراجع قضایی نقش اساسی و مهمی در تعیین قواعد عرفی دارند، وجود ندارد.

۱-۴- نقش عرف در حقوق بین الملل کیفری

در مطالب قبلی مشخص شد که عرف در حقوق بین‌المللی عرفی دارای قدرت و نفوذ قاعده سازی است اما آیا عرف قدرت قاعده‌مندی سازی و نفوذ را در حقوق بین‌المللی کیفری دارد یا خیر؟ به نظر می رسد با توجه به این که قلمرو حقوق بین‌المللی کیفری محدودتر از حقوق بین‌المللی عرفی است، در نتیجه عرف در این حقوق دارای همان قلمرو و موضوع در حقوق بین‌المللی عمومی نمی باشد. بنابراین به نظر می رسد منابع حقوق بین‌المللی کیفری متفاوت از حقوق بین‌المللی عمومی است و در آن قواعد موضوعه بر قواعد عرفی دارای تقدم هستند. البته عرف با شرایطی قدرت جرم‌انگاری در حوزه حقوق بین‌المللی کیفری را دارد.

در خصوص امکان تمسک به عرف بین‌المللی و جرم‌انگاری نمودن رفتارها بر اساس عرف و امکان رسیدگی به آنها مطابق با عرف بین‌المللی، میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف به تفاوت مبنایی موجود در نظام های حقوقی مختلف یعنی نظام حقوقی مبتنی بر حقوق نوشته و نظام حقوقی عرفی باز می گردد. به عنوان مثال برخی از حقوقدانان معتقدند که یکی از قواعد حقوق بین‌المللی کیفری، الزامات عرفی مربوط به حقوق بشردوستانه مانند حفاظت از جمعیت غیرنظامی و اموال دارای جنبه غیرنظامی، تمایز میان رزمنده و غیر رزمنده است. نقض این اصول عرفی در حقوق بین‌الملل کیفری جرم و قابل مجازات است. در همین زمینه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه فوروندزیجا الزام به جلوگیری و منع مجازات



شکنبه را واجد جنبه عرفی می‌داند به طوری که بر پایه آن تمام اعضای جامعه بین‌المللی مکلف به رسیدگی کیفری اند و به دلیل اهمیت ارزش‌هایی که حمایت می‌کند، قاعده آمره محسوب می‌شود. بر اساس این دیدگاه، به موجب موازین حقوق بین‌المللی عرفی جرایم بین‌المللی خاص صرف نظر از عضویت دولت در یک معاهده بین‌المللی تحت سیطره اصل صلاحیت جهانی قرار می‌گیرد. بنابراین هیچ چیز مانع از آن نیست که مانند نسل‌کشی جرایم تحت سیطره کنوانسیون‌های بین‌المللی را در قالب حقوق بین‌الملل عرفی متبلور یابیم. همچنین، برخی از نهادهای بین‌المللی نیز معتقدند که امروزه بسیاری از جرایم طبق حقوق بین‌المللی عرفی تابع اصل صلاحیت جهانی هستند و علاوه بر کشورهای عضو کنوانسیون‌های بین‌المللی پیش‌بینی‌کننده این صلاحیت، سایر کشورها نیز می‌توانند نسبت به اجرای صلاحیت جهانی در مورد این جرایم اقدام نمایند.

با وجود این، عرف بین‌المللی در صورتی می‌تواند اقدام به جرمانگاری و مجازات نماید که اجماع حداکثری جامعه بین‌المللی مبنی بر جرم بودن رفتار وجود داشته باشد و آن جرم به رسمیت شناخته شده و تخلف ناپذیر باشد یعنی در صورت نقض با واکنش مواجه گردد. بنابراین اگر عرف فراگیر با این ویژگی‌ها شکل بگیرد می‌تواند منجر به جرمانگاری گردد که این مسئله نیز با وجود منافع و دیدگاه‌های متفاوت کشورهای مختلف به استثنای تعداد اندکی از جرایم امکان‌پذیر نمی‌باشد. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد مطابق با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و نیز رویه جامعه بین‌المللی مبنی بر مدون نمودن جرایم بین‌المللی عرفی، با وجود پذیرش عرفی بودن جنایات بین‌المللی، بنابر مشکلاتی که ممکن است در هنگام اثبات و استناد به عرف بین‌المللی در هنگام رسیدگی به جرایم بین‌المللی عرفی به وجود بیاید، امکان اعمال اصل صلاحیت جهانی بر این اساس در نظام‌های حقوقی نوشته دشوار می‌باشد.

با توجه به این مباحث بایستی وضعیت نظام حقوقی ایران در رابطه با امکان اعمال جرایم بین‌المللی عرفی بررسی شود. به عنوان مثال، یکی از اقداماتی که مطابق با عرف بین‌المللی در حقوق بین‌المللی کیفری جرمانگاری شده، کاربرد ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای به عنوان حقوق لازم‌الاجرا و مسلّم موجود است. حال اگر شخصی از سلاح‌های هسته‌ای استفاده نمود، در صورتی که کشور ایران به معاهدات بین‌المللی مرتبط با این مسئله نپیوسته بود، آیا محاکم دادگاه ایران در پرتو اصل صلاحیت جهانی و با استناد به عرف بین‌المللی می‌تواند به قضیه رسیدگی و حکم



صادر نماید؟ همچنین یکی دیگر از عرفهای بین المللی موجود که در حقوق بین المللی کیفری جرمانگاری شده است، رفتار توهین آمیز با غیرنظامیان یا اسیران جنگی است. حال اگر یک افسر ارتش رژیم غاصب صهیونیستی در ایران یافت شود به جرایم عرفی بین المللی وی چگونه رسیدگی خواهد شد؟ پاسخ به این سئوالات نیازمند بررسی اصل صلاحیت جهانی و ماده ۹ قانون مجازات اسلامی است که پس از بررسی معاهدات و کنوانسیون های بین المللی به آن پرداخته خواهد شد.

۱-۵- کنوانسیون های بین المللی

یکی از منابع اساسی و در عین حال ابزار ایجاد و توسعه صلاحیت جهانی وجود معاهدات و کنوانسیون های بین المللی بوده است. چنین اسنادی در بین سایر متون بین المللی یکی از منابع مستقیم حقوق بین المللی برای اعضای آن ایجاد می کند. معاهده یا کنوانسیون یا عهدنامه یا پیمان، یک موافقت نامه بین المللی است که میان کشورها یا سازمان های بین المللی منعقد شده و مشمول حقوق بین المللی می باشد. معاهده در عرصه حقوق داخلی با قوانین مصوب مجلس قانونگذاری قابل مقایسه است. اما تفاوت مهم این دو در آن است که مفاد معاهده نسبت به دولت هایی که با آن موافقت کرده اند قابل اجرا است و معمولاً کاربرد عمومی ندارد. در واقع در حقوق داخلی افراد حق انتخاب و گریز از قانون را ندارند اما اعضای جامعه بین المللی از این حق برخوردارند.

معاهدات یا کنوانسیون های بین المللی به عنوان وسیله ای رایج و مناسب برای بیان اهداف مشترک دو یا چند کشور و پیش بینی طرق نیل به آن اهداف به کار می روند. به طور کلی در کنوانسیون های بین المللی، صلاحیت جهانی دولت های عضو کنوانسیون به یکی از دو شکل ذیل پیش بینی می شود:

در برخی از این کنوانسیون ها، دولت های عضو، قطع نظر از محل ارتکاب، برای رسیدگی به جرایم مورد نظر کنوانسیون صلاحیت دارند و ملزم به تعقیب و محاکمه متهمین جرایم مذکور در دادگاه های خود هستند. این کنوانسیون ها به تنهایی قابل اجرا هستند، یعنی به طور مستقیم در کشورهای عضو قابل اجرا هستند و نیازی به تصویب قانون جداگانه ای برای تأیید صلاحیت پیش بینی شده در آن کنوانسیون ها نیست. به عبارت دیگر، به صرف تصویب یا الحاق توسط مقامات پیش بینی شده در قانون اساسی و ورود کنوانسیون به حقوق داخلی، دادگاه های آن کشورها می توانند خود را صالح به رسیدگی به جرایم مورد نظر بشناسند، بدون اینکه نیازی به

تصویب قانونی جداگانه برای تأیید صلاحیت پیش بینی شده در آن کنوانسیون وجود داشته باشد. اما دسته دوم کنوانسیون هایی هستند که خود مستقیماً به نفع دولت ها ایجاد صلاحیت نمی کنند، بلکه از آنها می خواهند که با اتخاذ تدابیر لازم یعنی وضع قانون در حقوق داخلی خود، صلاحیت جهانی خویش را نسبت به جرایم مورد نظر کنوانسیون تثبیت نمایند.

در رابطه با جرایم حقوق بین المللی بسیاری از کنوانسیون های بین المللی، صلاحیت جهانی محاکم ملی کشورهای متعاقد را برای محاکمه چنین جرایمی پیش بینی نموده اند. کنوانسیون استرداد مجرمین جنگی از دولت های بی طرف ۱۹۴۵، کنوانسیون چهارگانه ژنو، پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون لاهه درباره حمایت از اموال فرهنگی در خصومت های مسلحانه ۱۹۵۴، کنوانسیون مبارزه با توقیف غیرقانونی هواپیما ۱۹۷۰، کنوانسیون مبارزه با اقدامات علیه امنیت هوانوردی ۱۹۷۱، کنوانسیون ممنوعیت و مجازات تبعیض نژادی ۱۹۷۳، کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص تحت حمایت بین المللی شامل نمایندگان دیپلماتیک ۱۹۷۳، پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون ژنو ۱۹۷۷، کنوانسیون علیه گروگان گیری ۱۹۷۹، کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات های ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز ۱۹۸۴، اساس نامه دیوان بین المللی کیفری ۱۹۹۸، کنوانسیون مبارزه با کمک مالی به تروریسم ۱۹۹۹، کنوانسیون مبارزه با بمب گذاری تروریسم ۲۰۰۱، کنوانسیون جرایم سازمان یافته ۲۰۰۴، کنوانسیون مبارزه با اقدامات تروریسم هسته ای ۲۰۰۵، کنوانسیون نسل کشی ۱۹۴۸، کنوانسیون جرایم و دیگر اقدامات مشخص ارتكابی در هواپیما ۱۹۶۳ کنوانسیون هایی هستند که متضمن صلاحیت جهانی هستند.

در حقوق ایران مطابق با اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی «عهدنامه ها، مقوله نامه ها، قراردادهای و موافقتنامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد». همچنین بر اساس ماده ۹ قانون مدنی عهدنامه های بین المللی در صورتی در نظام حقوقی ایران دارای اعتبار و اثر حقوقی هستند که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده باشد. این ماده مقرر می دارد: «مقررات و عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است». بنابراین تنها در صورتی که معاهدات بین المللی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده باشد، قضات دادگاه های ایرانی می توانند در رسیدگی به قضایا به آن استناد نمایند و در صورتی که ایران به آنها



نپیوسته باشد و یا اینکه پیوسته باشد اما آن را امضا نکرده باشد و یا اینکه امضا نموده اما در مجلس شورای اسلامی به تصویب نرسیده باشد، نمی تواند مورد استناد قرار گیرد. در حال حاضر مطابق با کنوانسیون های بین المللی که کشور ایران به آنها پیوسته است صلاحیت جهانی تنها نسبت به جرایم قلب سکه و جعل اسکناس، برده داری و تجارت برده، اشاعه نشریات مستهجن، نژاد پرستی، گروگانگیری و جرایم علیه مأموران دیپلماتیک در حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران اعمال می گردد.

۲- اصل صلاحیت جهانی^۱

در این بخش از پژوهش پیش از آنکه به حدود و ثغور اصل صلاحیت جهانی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بپردازیم، ابتدا اصل صلاحیت جهانی را تعریف، شرایط و موانع اعمال آن را به اختصار تبیین و در نهایت به بررسی این اصل در نظام حقوقی ایران می پردازیم.

۲-۱- تعریف اصل صلاحیت جهانی

در تعریفی که از سوی اعلامیه پرینستون ارائه شده است صلاحیت جهانی عبارت است از کیفری مبتنی بر ماهیت جرم بدون توجه به تابعیت مجرم، تابعیت مجنی علیه و یا هرگونه ارتباط دیگری با دولت اعمال کننده صلاحیت و اینکه جرم کجا ارتکاب یافته است.

در تعریف کلاسیک و قدیمی از صلاحیت جهانی گفته شده است «صلاحیت جهانی توسعه قلمرو حقوقی و قضایی یک کشور نسبت به اعمال ارتكابی در مناطق خارج از قلمرو حاکمیت دولت ها می باشد. مثال مناسب برای تعریف کلاسیک صلاحیت جهانی موضوع دزدی دریایی است که در آن هر کشور برای دستگیری و محاکمه یک شخص به اتهام این جرم که در عرف بین المللی تعریف شده اند حق دارد. در اعمال صلاحیت جهانی برای دولت ها هیچ نفع مستقیمی وجود ندارد، بلکه تنها یک مسأله مطرح است و آن هم تعهد دولتها بر اساس حقوق ناشی از معاهدات و حقوق بین المللی عرفی است که زمینه اجرای این صلاحیت را فراهم می سازد و این خود مستلزم وجود یک نوع نفع غیر مستقیم است و آن برقراری نظم صلح و امنیت بین المللی و اعمال اصل بدون مجازات نمودن مجرمان است.

با توجه به گستردگی جرایم و اهداف فوق الذکر برخی از حقوقدانان صلاحیت

1. The universality principle or universal Jurisdiction.

جهانی را نیازمند تعریفی جامع و بسیط تر دانسته اند و این اصل را «اختیار یا لزوم اعمال صلاحیت دادگاه های کیفری ملی در رسیدگی به جرایم یا جنایات خاص و معین توسط منابع حقوق بین المللی و حقوق داخلی که در خارج از کشور ارتکاب یافته است» تعریف نموده اند.

۲-۲- شرایط اعمال و موانع اصل صلاحیت جهانی

اصل صلاحیت جهانی همانند سایر اصول صلاحیت قوانین کیفری در خارج از قلمرو حاکمیت، یک اصل بی قید و شرط و مطلق نیست بلکه اصلی است که برای رفع نقص سایر اصول صلاحیت ها به وجود آمده است. یکی از شرایط اعمال اصل صلاحیت جهانی، ارتکاب جرم در خارج از قلمرو حاکمیت کشور اعمال کننده است. به عنوان مثال، جرم در دریای آزاد یا در جایی واقع شده باشد که در قلمرو حاکمیت هیچ کشوری نباشد. شرط بعدی شرط دستگیری متهم در محل اعمال اصل صلاحیت جهانی است. شرط دیگر عدم امکان اعمال اصول صلاحیتی دیگر نظیر اصل صلاحیت واقعی، اصل صلاحیت سرزمینی و اصل صلاحیت شخصی است بنابراین، اصل صلاحیت جهانی یک صلاحیت تکمیلی است.

وجود عهدنامه های ر مبنی بر بین المللی بودن عمل مجرمانه و الحاق دولت به آن عهدنامه شرط دیگر اعمال اصل صلاحیت جهانی است در غیر این صورت، دولت محل دستگیری نمی تواند مدعی صلاحیت جهانی بر شخص دستگیر شده در کشور خود باشد. در عین حال به نظر می رسد استثنائاً در مورد صلاحیت جهانی بر جرایمی که به اتکای عرف حقوق بین المللی، جرم بین المللی، جرم بین المللی به حساب می آیند (نظیر دزدی دریایی)، الحاق به عهدنامه ضرورتی نداشته باشد هر چند برای ایجاد صلاحیت در این موارد نیز مجرمانه بودن عمل مطابق قوانین داخل کشور مدعی صلاحیت ضروری است.

در همین راستا یکی دیگر از شروط اصلی مجرمانه بودن عمل در کشور محل دستگیری است. در این رابطه لازم است نسبت به عملی که دولت محل دستگیری می خواهد به تعقیب و مجازات آن مبادرت کند طبق قوانین کیفری داخلی آن دولت مجرمانه و قابل مجازات باشد. در غیر این صورت تعقیب مجازات چنین شخصی امکان پذیر نیست. ممکن است مجرمانه بودن این عمل قبل از الحاق دولت به این عهدنامه عمل مزبور مطابق با قوانین کیفری آن کشور مجرمانه و قابل مجازات باشد یا پس از الحاق به این عهدنامه ها یا تأسی از آنها دولت مربوطه مبادرت به مجرمانه قلمداد کردن این قبیل اعمال نموده باشد.



۲-۳- جرایم تحت شمول صلاحیت جهانی

جرم بین‌المللی عبارت است از اقدامی که به طور جهانی جرم شناخته شده است و بخش مهمی از نگرانی بین‌المللی را به خود اختصاص می‌دهد و به دلایلی نمی‌تواند در صلاحیت انحصاری دولتی قرار گیرد که در شرایط عادی بر آن موضوع کنترل دارد. اصل صلاحیت جهانی ابتدا در حقوق بین‌المللی عرفی در قرن هفدهم، در مورد دزدی دریایی اعلام شد. اگر چه در گذشته اعتقاد بر این بوده است که تنها جرمی که به موجب حقوق بین‌المللی عرفی می‌تواند موضوع صلاحیت جهانی دادگاه داخلی یک کشور باشد، صرفاً جرم دزدی دریایی است اما برخی از حقوقدانان امروزه معتقدند که صلاحیت جهانی دادگاه‌های داخلی کشورها نسبت به جنایات جنگی بر اساس حقوق بین‌المللی عرفی تردید وجود ندارد.

همچنین برخی دیگر نیز معتقدند که در حال حاضر نیز حقوق مبتنی بر معاهدات بین‌المللی و هم حقوق بین‌المللی عرفی اصل را بر این قاعده گذاشته‌اند که افراد متهم به ارتکاب جنایاتی از نوع جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی نباید بدون کیفر بمانند و بر اساس این دو نوع حقوق دولت‌ها موظف هستند اصل صلاحیت جهانی را مدنظر قرار دهند. بر همین اساس، امروزه عرف و معاهدات بین‌المللی صلاحیت جهانی را برای برخی جرائم مهم مانند جرائم جنگی، تجاوز، جرایم علیه بشریت، نسل‌کشی، شکنجه، برده‌گیری، تبعیض نژادی، دزدی دریایی، اقدامات ضدامنیتی در هواپیما، گروگانگیری و قاچاق مواد مخدر قابل اعمال می‌داند.

۲-۴- اصل صلاحیت جهانی در مقررات کیفری ایران

در قوانین داخلی کشورها شیوه‌های مختلفی از پیش‌بینی اصل صلاحیت جهانی به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر، اگر انعکاس اصل صلاحیت جهانی در حقوق داخلی کشورها را مورد مطالعه قرار دهیم مشاهده می‌کنیم که به طور کلی امروزه کشورها از روش‌ها و مدل‌های مختلف قانونگذاری در زمینه پیش‌بینی این اصل استفاده می‌نمایند که در این رابطه پنج مدل وجود دارد:

۱- اجازه صریح و مشخص برای اعمال اصل صلاحیت جهانی نسبت به جرایم خاص حقوق بین‌المللی. نمونه این روش قوانینی است که در بسیاری از کشورهای مشترک‌المنافع در خصوص کنوانسیون‌های ژنو وضع و تصویب شده است و جرایم مشمول آن اصل مشخص گردیده است.

۲- اجازه اعمال اصل صلاحیت جهانی نسبت به جرایم عادی حقوق داخلی

۳- اجازه اعمال اصل صلاحیت جهانی نسبت به جرایم تعیین شده در کنوانسیون ها

۴- اجازه اعمال اصل صلاحیت جهانی نسبت به جرایم طبق حقوق بین‌المللی عرفی

یا اصول کلی حقوقی

۵- پذیرش مستقیم حقوق بین‌المللی در حقوق داخلی^۲

بنابراین به طور کلی دادگاه های داخلی، منشأ صلاحیت خود را در این مورد از عرف

یا معاهدات بین‌المللی و قوانین ملی کشور متبوع کسب نموده اند.

اصل صلاحیت جهانی در قوانین ایران در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مورد

پیش بینی قرار گرفته است. بر اساس این ماده «مرتکب جرائمی که به موجب قانون

خاص یا عهدنامه و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه

می شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و

مجازات می گردد»^۳. بر اساس این ماده مقنن به طور کلی دو رکن اصلی را برای محاکمه

و مجازات متهم در ایران شرط میدانند. اول اینکه قوانین خاص، عهدنامه ها و مقررات

بین‌المللی چنین اجازه های را داده باشد. دوم آنکه عمل طبق قانون ایران جرم و قابل

مجازات باشد و همچنین دادگاه های ایران زمانی می توانند بر مبنای اصل صلاحیت

جهانی به جرائم بین‌المللی رسیدگی کنند که اولاً جرم بین‌المللی در خارج از قلمرو

حاکمیت کشور ارتکاب یافته باشد و ایران نیز آن عهدنامه را تصویب نموده باشد و ثالثاً

مرتکب نیز در ایران یافت شود.

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ تنها به قانون خاص یا عهد بین‌المللی

اشاره شده بود در حالی که در قانون مجازات اسلامی علاوه بر قانون خاص و معاهدات

بین‌المللی، مقررات بین‌المللی نیز اضافه شده است. این تغییر عبارت باعث به وجود

آمدن برداشت های مختلفی از ماده مذکور گردیده است. به عبارت دیگر افزوده شدن

عبارت مقررات بین‌المللی، امکان استناد به عرف بین‌المللی را در پرتو عمال اصل

صلاحیت جهانی قابل تأمل نموده است. بر همین اساس، برخی از حقوقدانان معتقدند

که مقررات بین‌المللی اعم از عرف و تعهدات بین‌المللی است و امکان استناد به عرف

بین‌المللی وجود دارد. همچنین ممکن است گفته شود با توجه به اینکه در اساسنامه

دیوان بین‌المللی دادگستری عرف از منابع حقوق بین‌المللی است و کشور ایران نیز

منشور ملل متحد را تصویب کرده و اساسنامه بخش لاینفک منشور می باشد، عرف

بین‌المللی تا آنجا که دولت ایران نسبت به آن معترض مداوم نبوده در موارد ذیربط

۲. ر.ک به فروغی، همان، صص ۲۷۳-۲۷۴، برخی از کشورها نیز از مدلی که ترکیبی مدل های فوق است استفاده می نمایند.



قابل استناد است. از سوی دیگر نیز می‌توان چنین بیان نمود که هر مقرر حقوق بین‌المللی از جمله عرف بین‌المللی می‌تواند مشمول ماده ۹ باشد زیرا فارغ از اختلاف در تشخیص مصادیق عرف، اجماع در این خصوص وجود دارد که عرف منبع حقوق بین‌المللی است.

با وجود این دیدگاه‌ها به نظر می‌رسد صحت این تفاسیر با توجه به اصول حاکم بر نظام حقوقی ایران محل تأمل و تردید باشد. اگرچه دیدگاه‌های فوق‌الذکر دلایل متقن و منطقی برای خود ترسیم نموده‌اند اما بایستی خاطر نشان نمود که تفسیری از ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بایستی ارائه نمود که با اصول و قواعد حاکم بر نظام حقوق کیفری ایران انطباق بیشتری داشته باشد. در نظام حقوقی ایران با توجه به حاکمیت سنت حقوق نوشته از میان مقررات بین‌المللی که برای قضات می‌توانند قابلیت استناد را فراهم آورند تنها عهدنامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی پذیرفته شده است که این امر در اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی تجلی پیدا نموده است. بر همین اساس، منشأ اصل صلاحیت جهانی دادگاه‌های کشور ایران را قانون داخلی تشکیل می‌دهد، زیرا پس از تصویب کنوانسیون بین‌المللی، این کنوانسیون در حکم قانون داخلی محسوب خواهد شد. بنابراین، در نظام حقوقی ایران با توجه به اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی و ماده ۹ قانون مدنی که تنها عهدنامه‌های بین‌المللی را در حکم قانون و دارای اثر حقوقی می‌دانند و سخنی از عرف به میان نیامده است، امکان استناد به عرف و یا اعمال آن در نظام حقوقی ایران به نظر دشوار می‌رسد. همچنین عدم توجه به عرف بین‌المللی در نظام حقوقی ایران موجب گردیده که هیچگونه ساز و کار خاصی برای ورود عرف بین‌المللی در مبانی حقوقی این نظام حقوقی پیش‌بینی نشود. به عبارت دیگر هر چند اصل صلاحیت جهانی ریشه در حقوق بین‌المللی دارد که ممکن است از طریق عرف بین‌المللی نیز چنین صلاحیتی را به دادگاه‌های داخلی اعطا نماید اما با این وجود دادگاه‌های ایران بر این اساس اجازه محاکمه و مجازات متهمان جرائمی از قبیل را ندارند زیرا در کشور ما ساز و کار خاصی برای ورود عرف بین‌المللی به حقوق داخلی و اجرای آن در دادگاه‌های ملی پیش‌بینی نشده است. به دیگر سخن، معدود متون قانونی موجود در مورد نحوه پذیرش مقررات بین‌المللی توسط حقوق داخلی ایران (اصول هفتاد و هفتم، اصل بیست و پنجم و ماده ۹ قانون مدنی) ناظر بر کنوانسیون‌های بین‌المللی است و هیچ مقررات خاصی درباره نحوه قبول و جذب قواعد عرفی حقوق بین‌المللی در حقوق داخلی کشورمان

پیش بینی نشده است. این امر موجب شده که ساز و کار اثبات و اجرای عرف بین‌المللی دشوار گردد. نتیجه اینکه دادرسی ایرانی نمی‌تواند در مقام رسیدگی به جرمی که پرونده آن به او ارجاع گردیده است به استناد یک قاعده عرف بین‌المللی خود را صالح به رسیدگی به آن اعلام نماید بلکه باید صلاحیت خود را بر مبنای یک متن قانونی یا کنوانسیون بین‌المللی تصویب شده توسط مجلس که در واقع بازگشت این مورد اخیر نیز به قانون است استوار نماید.

به عبارت دیگر در کشوری مانند ایران که نظام قانونی حکم فرماست وظیفه بین‌المللی در کیفر دادن یک جرم مبنایی کافی به وجود نمی‌آورد بلکه قانونی باید وجود داشته باشد که مجازات جرم را تصریح کند. با توجه به این مطلب عرف بین‌المللی در نظام حقوقی ایران به رسمیت شناخته نشده است.

از سوی دیگر، همانطور که در بحث جایگاه عرف در حقوق بین‌الملل کیفری نیز بیان گردید با عنایت به اختلافات دولت‌ها در پذیرش عرف بین‌المللی و نیز دشواری اثبات آنها، رویه جامعه بین‌المللی جرمانگاری نمودن رفتارهای نقض‌کننده حقوق بشردوستانه بین‌المللی و اعطای صلاحیت جهانی به کشورها در کنوانسیون‌های بین‌المللی است. بر همین اساس جایگاه عرف بین‌المللی در حقوق بین‌المللی کیفری متزلزل گردیده و اصل قانونمندی جرایم و مجازات‌ها در حقوق بین‌المللی کیفری سخن نخست را بر زبان می‌رانند. از همین رو هر گونه جرایم عرفی که سابقاً در حقوق بین‌المللی وجود داشته، امروزه در معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی جرمانگاری شده و به صورت مدون درآمد است.

علاوه بر مطالب فوق‌الذکر نکته دیگری که می‌توان امکان استناد به عرف را با تمسک به ماده ۹ قانون مجازات اسلامی قابل تردید دانست توجه به علایم نگارشی در متن ماده و تفسیر ماده ۹ قانون مجازات اسلامی است. همان‌طور که می‌دانیم یکی از موارد تفسیر مواد قانونی توجه به علایم نگارشی موجود در متن قانون است. بر همین اساس توجه به حرف واو میان عبارات عهدنامه و مقررات بین‌المللی و عدم استفاده از حرف یا در این ماده خود می‌تواند موبد عطف مقررات بین‌المللی به عهدنامه باشد. همچنین در صورتی که منظور از مقررات بین‌المللی عرف و کنوانسیون‌های بین‌المللی بوده، ذکر عبارت عهدنامه و کنوانسیون به صورت مستقل از سوی مقنن امری لغو به نظر می‌رسد.

بنابراین، با توجه به اینکه عنوان در حقوق بین‌المللی تعیین‌کننده نیست، حتی



اگر مقررات بین‌المللی را شامل عرف نیز بدانیم مطابق با مبانی نظام حقوقی و منابع قابل استناد قضات محاکم کیفری و با عنایت به قسمت دوم این ماده امکان استناد به عرف بین‌المللی و محاکمه نمودن اشخاص بر اساس آن در نظام حقوقی ایران وجود ندارد.

همچنین ذکر این نکته نیز ضروری است که با وجود چنین مقرره‌های در ماده ۹، در نظام حقوقی ایران ساز و کار خاصی برای اعمال این اصل وجود ندارد و تنها در صورتی که جرمی به موجب کنوانسیون بین‌المللی برای آن صلاحیت جهانی جهانی در نظر گرفته شده باشد محاکم ایران می‌توانند به آن رسیدگی نمایند که در شرایطی که، ایران به کنوانسیون پیوسته، آن را امضا نموده و از طریق مجلس به تصویب رسیده باشد. بنابراین، در صورتی که هیچکدام از این فرآیندها انجام نشده باشد، رسیدگی ممکن نخواهد بود.



نتیجه گیری

صلاحیت جهانی در راستای مبارزه با بی‌کیفیری و پناهگاه امن مجرمینی که کلیت حیات بشریت را تهدید می‌کنند شکل گرفته است. اعمال صلاحیت جهانی در محاکم ملی بیشتر با ایده حمایت از حاکمیت ملی دولت‌ها قرابت دارد و با ضمانت و سرعت بیشتری می‌تواند در مبارزه با بی‌کیفیری بین‌المللی نقش‌آفرینی نماید. این اصل نشان دهنده وجه اشتراک جامعه جهانی در اعلام انزجار از برخی اعمالی است که در گوشه و کنار جهان صورت می‌پذیرد و احساسات همه افراد بشر را صرفنظر از تابعیت مرتکب و مجنیعلیه و عمل وقوع آن جریحه دار می‌سازد.

مسئله صلاحیت جهانی مسئله توسعه صلاحیت دادگاه‌های داخلی یک کشور برای رسیدگی به جرمی است که نه متهم تبعه او است و نه مجنی علیه یا زیان‌دیده و نه جرم علیه آن کشور ارتکاب یافته است. به عبارت دیگر جرم از جرائم مهم بین‌المللی است که نگرانی جامعه بین‌المللی را برانگیخته و دولت‌ها می‌توانند بدون هیچ‌کدام از ارتباطات سابق الذکر به آن رسیدگی نمایند. این اصل یکی از ابزارهای مهمی است که با توسل به آن می‌توان حقوق بشر را در سطح جهان تأمین و تضمین نمود و با استفاده از این اصل صلاحیتی است که مجرمان بین‌المللی به عنوان ناقضان حقوق بشر جایگاه امنی در دنیا برای خود پیدا نکرده و هر آن دغدغه دستگیری تعقیب و مجازات دارند.

در این پژوهش با ارائه تعریف عرف بین‌المللی به عنوان رویه عامی که از سوی دولت‌ها پذیرفته شده است ویژگی‌های مثبت و منفی آن مطرح شد. دشواری در اثبات عرف بین‌المللی و اختلاف دولت‌ها در عرفی دانستن یک رفتار، موضوع و یا امری باعث شده است که جایگاه عرف در حقوق بین‌المللی کیفری که با پدیده مجرمانه و مجازات کردن سر و کار دارد متزلزل شده و به عنوان منبع ثانویه مورد استناد و پذیرش قرار گیرد. اهتمام به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و نیز رویه جامعه بین‌المللی در جهت مدون



نمودن جرایم بین‌المللی به منظور اجتناب از ویژگی‌های منفی عرف بین‌المللی، تزلزل جایگاه عرف را در حقوق بین‌المللی کیفری تثبیت نموده است.

از سوی دیگر، با عنایت به روش‌های مختلف کشورهای مختلف در پیش‌بینی اصل صلاحیت جهانی و نیز توجه به مبانی نظام حقوقی ایران که تحت سیطره حقوق نوشته می‌باشد، عرف بین‌المللی به عنوان منبع پذیرش اعمال اصل صلاحیت جهانی در نظام حقوقی ایران امری دشوار به نظر می‌رسد. دلیل این امر علاوه بر حاکمیت حقوق نوشته، عدم ارائه ساز و کاری مشخص جهت استناد و اعمال عرف بین‌المللی و عدم پذیرش آن در قانون اساسی ایران است. همچنین در خصوص کنوانسیون‌هایی نیز که ایران به آنها ملحق نشده و یا اینکه ملحق شده اما به تصویب مجلس نرسیده است نیز با توجه به اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی و ماده ۹ قانون مدنی، امکان استناد قضات محاکم ایرانی به آنها برای اعمال اصل صلاحیت جهانی وجود ندارد.

فهرست منابع

- ۱- آزمایش، علی، تقریرات درس حقوق بین المللی کیفری، دوره دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱-۱۳۸۳.
- ۲- اسماعیل زاده، محمد و پورابراهیم، احمد، اصل صلاحیت جهانی با رویکرد به حقوق کیفری بین المللی و حقوق داخلی ایران، نشر خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- ۳- پوربافرانی، حسن، حقوق جزای بین الملل، نشر جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- ۴- حجت زاده، علیرضا و درجی، حسین، اصل صلاحیت جهانی در حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه بررسی های حقوق بین الملل، سال اول، شماره اول، ۱۳۹۱.
- ۵- خالقی، علی، جستارهایی در حقوق جزای بین الملل، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۵.
- ۶= خالقی، علی، محاکمه صدام و مسأله صلاحیت دادگاه از منظر حقوق داخلی و بین المللی، مجله پژوهش های حقوقی، سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
- ۷- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، انتشارات گنج دانش، چاپ پنجاه و یکم، ۱۳۹۵.
- ۸- فروغی، فضل الله، اصل صلاحیت جهانی در حقوق کیفری داخلی و بین المللی، رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- ۹- فروغی، فضل الله، اصل صلاحیت جهانی در حقوق کیفری داخلی و بین المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، رساله دکتری، ۱۳۸۶.
- ۱۰- والاس، ریکا، حقوق بین الملل، ترجمه سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- 11- Bassiouni, M.Cherif, (1987), A Draft International Criminal Code and Draft Statute on International Criminal Tribunal, Martinus Nijhoff publishers.
- 12- Henckaerts, Jean-Marie and Doswald-Beck, Louise, (2006), Customary International Humanitarian Law, Ref. Customary International Humanitarian Law, Cambridge University Press.



- 13- Princeton University, (2001), The Princeton Principles on Universal Jurisdiction, Princeton University Press.
- 14- Enache-Brown, Colleen. Fried, and Ari, (1998), Universal Crime, Jurisdiction and Duty: The Obligation of Aut Dedere Aut Judicare in International Law, McGill Law Journal/Revue De Droit De McGill, Vol. 43.
- 15- Joyner, Christopher C, (1996), Arresting Impunity: The Case For Universal Jurisdiction In Bringing War Criminals To Accountability, Law And Contemporary Problems, Vol. 59, No. 4.
- 16- Amnesty international universal Jurisdiction: the duty of states to enact and implement legislation, September 2001, chapter 9 from www.igc.org.